



نقش شیر و شیربان بر ظرف طلای حسنلو

کاسه زر سه هزار ساله حسنلو

دارای نقوش برجسته بی نظیر

سید محمدتقی مصطفوی



حسنلو کجاست ؟

صفویه ایشان را از ناحیه بوزجولو به گرجستان برده‌اند و محال بنبک گرجستان را باختیارشان گذاردند و قریب دوست سال دو آنحدود میزیستند و در عین اشتغال به کشاورزی و زندگی معمولی خود باستقامت در مقابل قبایل لرگی و داغستان که مرتباً به گرجستان حمله‌ور میشدند پرداخته مدافع استقلال کشور هم بودند و در موارد متعدد از تعدی و تجاوز لرگیها جلوگیری میکردند و در زمان فتحعلیشاه قاجار هنگام جنگهای ایران و روس رئیس طایفه مزبور بنام تقی خان بوزجولو در اردو کشیهای مرحوم عباس میرزای نایب السلطنه منشاء خدمات و جنگهای دلاورانه گردید و بدرجه سرتیپی نائل شد و چون بر طبق عهدنامه گلستان خاک گرجستان بتصرف روسیه درآمد ایل بوزجولو از ملک و علاقه خود دست کشید و به داخل ایران کوچ کرد و در جنگهای بعدی ایران و روس هم فداکاریهای زیاد نمود و قریباتیهای زیاد داد و پس از عهدنامه ترکمن چای زبیر بار اطاعت روسیه نرفت و چون هنوز تبریز و خوی هم در دست روسها بود از راه وان واقع در

تپه حسنلو به پهنای متوسط ۲۷۰ متر و بلندی متوسط ۲۰ متر واقع در بخش سلدوز آذربایجان غربی واقع شده محل آن بمسافت قریب سه کیلومتری جنوب جاده است که از حیدرآباد واقع در کرانه جنوب غربی دریایچه رضاییه به نقده و خانه (نزدیک مرز عراق) می‌رود - این تپه تاریخی که بعلت بیرون دادن سند تاریخی بی‌بدل و بی‌نهایت نفیسی از روزگاران گذشته ایران اکنون از نقاط باستانی درجه اول جهانی بشمار می‌رود در ملکیت آقای محمدتقی جان احمدلو فرزند شادروان پاشا خان رئیس ایل قره پاباخ یا ایل بوزجولو است و سابقه ایل مزبور هم که چگونه ساکن این قسمت آذربایجان شده است و تپه مزبور بملکیت خانوادگی آقای جان احمدلو درآمده است داستان جالبی دارد: بدینقرار که طایفه بوزجولو در سابق در ناحیه بوزجولو واقع در حدود اراک و همدان سکونت داشته‌اند و چون مردم رشید و بی‌باکی بوده‌اند شاهان

خاک ترکیه (عثمانی آنروز) بطرف ایران عزیمت نمود و یک زمستان را در میان ترکان گذراند و چون کلاه سیاه پوست بره بر سر داشتند ترکان بدیشان نام (قره پاپاق) دادند و بهمین اسم معروف شدند و پس از تخلیه خاک آذربایجان از قوای روسیه مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا ایل بوزچلو را درسلماس (شاهپور فعلی) سکونت داد و چون ایل مزبور تمام داروندان خود را در راه خدمت بایران رها کرده و از دست داده بودند و احتیاج به محلی جهت کار و کشاورزی داشتند بخش کنونی سلدوز که آن موقع بانرو خالی از سکنه بود در سال ۱۲۴۵ قمری از طرف مرحوم عباس میرزا بایشان واگذار گردید و سند واگذاری شش دانگ نقده که ملک شخصی عباس میرزا بود بنام تقی خان بوزچلو رئیس ایل قره پاپاق گردید که اسناد آن تماماً در اختیار آقای جان احمدلو و بازماندگان دیگر آن خانواده است و همیشه چهارصد سوار محلی از افراد ایل قره پاپاق در خدمت دولت برای حفظ مرزهای ایران بودند و بخش سلدوز تیول و مواجیشان بوده است (۱).

سابقه کاوش در حسنلو

اداره کل باستانشناسی از سالیان دراز متوجه اهمیت تاریخی این تپه بود و خوشبختانه بر اثر بیداری و علاقه مندی آقای محمد تقی خان جان احمدلو مالک آن و آقای نقی خان بوزچلو منسوب نزدیک ایشان که شخصیت بسیار مطلع و روشنفکر ایل و تبار مزبور هستند از کاوشهای بی رویه و خرابکاریهای مردم جاهل و مکرو خدعه حفران طماع و خیانت پیشه محفوظ ماند. گوئی سرنوشت این تپه تاریخی از آغاز امر چنین بود که تنها بخاطر مصلحت و منافع ایران بکار رود و جز در راه نفع میهن مورد بهره برداری واقع نگردد و چنین سعادت را هم برای پاسداران خود بخواهد و افتخاری بر افتخارات گذشته ایل بوزچلو یا قره پاپاق و خاندان احمدلو بیفزاید.

نخستین باری که عملیات حفاری در تپه حسنلو صورت گرفت بدین تفصیل بود که مرحوم فرزادی از کارمندان دخانیات ضمن انجام مأموریت خود در رضائیه برای رسیدگی و سرکشی به توتونکارهای حول و حوش آنجا به حسنلو میرود و چون آشنا باشیاء عتیقه و امور حفاری بوده است مرحوم پاشاخان پدر آقای محمد تقی خان جان احمدلو که در آن زمان رئیس ایل و مالک و بزرگتر آن سامان بود برای مرحوم فرزادی حکایت مینماید که ضمن احداث نهر آب در پائین تپه حسنلو به ظروف سفالی و اشیاء دیگر برخوردند و مرحوم فرزادی در صدد حفاری در آنجا برآمده با اجازه وزارت فرهنگ تحت نظر

(۱) کلیه اطلاعات مربوط به ایل بوزچلو و مالکیت تپه حسنلو را آقای نقی خان بوزچلو شخصیت مطلع و برجسته ایل مزبور که ساکن حسنلو هستند و با آقای جان احمدلو مالک آنجا از یک خانواده میباشد در اختیار اینجانب گذارده و موجبات کمال امتنانم را فراهم فرمودند.

آقای محمود راد بازرسی فنی باستانشناسی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی مبادرت بکاوش کوتاه و محدودی در حسنلو نمود و ظروف سفالی مختلف از دوران ماقبل تاریخ بدست آمد و از همان موقع بر اثر گزارش آقای راد اهمیت این تپه از نظر چگونگی و تنوع آثار مکشوفه و وجود بقایای قلعه و ابنیه باستانی سترک بر اداره کل باستانشناسی معلوم گشت و از آن پس همواره از طرف اداره مزبور برای اجرای کاوشهای صحیح و علمی دامنه دار در این محل مهم تاریخی اهتمام و مجاهدت شد تا یکبار در سال ۱۳۲۶ و بار دیگر در ۱۳۲۸ خورشیدی موفق با اجرای حفاری علمی در آنجا گردید و آقای علی حاکمی موزه دار بخش پیش از اسلام موزه ایرانباستان باتفاق آقای محمود راد بازرسی فنی باستانشناسی که ذکرشان گذشت تاحدی که اعتبار و شرایط کار و مقتضیات موجود اجازه داد در این باره اقدام نمودند و نتیجه کاوشهای علمی آقایان ضمن فصل مخصوص در مجلد اول گزارشهای باستانشناسی (شهریور ماه ۱۳۲۹) منتشر گردیده است و مخصوصاً آقای حاکمی بررسیهای دقیق علمی و اهمیت تاریخی تپه حسنلو را توأم با تهیه نقشه ها و طرح قبور و عکسهای مستند از کاوشهای محل باستانی مزبور بنحوی روشن و گویا در فصل مزبور توضیح داده اند و حقا و انصافاً جای آن دارد که اداره کل باستانشناسی با خدمت مفید و مهمی که از طرف آقایان حاکمی و راد در این زمینه انجام یافت و اهمیت تپه حسنلو را هویدا نمود سرافراز باشد و برخورد بیالده و خوشبختانه آقای صمیمی رئیس اداره مزبور هم که از آغاز امر سهم بسزائی در این خدمت مهم داشتند در ادامه آن با رعایت کلیه جوانب کار و تشویق و رفاه خاطر مالک ارجحند این مکان تاریخی نهایت علاقه و کاردانی را بکار میبندند و امید نتایج برتر دیگر از اینهمه زحمات بخوبی میرود.

پیش از کاوش علمی فوق هنگامیکه سر اورل استین (۱) باستانشناس فقید انگلیسی باتفاق آقای دکتر بهمن گریبی بازرسی فنی باستانشناسی در سال ۱۳۱۵ به تحقیقات و تجسس علمی خود در نواحی جنوب و غرب ایران میپرداخت در مرحله آخر مطالعات علمی مورد نظر خویش از تپه حسنلو هم بازدید نمود و چند گمانه علمی در آنجا زد و تعداد محدودی اشیاء مفرغی و سفالی بدست آورد.

در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ موزه دانشگاه قیلاذلی (۲) که سابقه کاوشهای علمی متعدد در ایران دارد و در کاوشهای علمی تپه حصار دامغان و ویرانه های باستانی ری و نواحی مختلف لرستان و تحقیقات مربوط به انسانهای اولیه در غارهای ایران و کشف بقایای انسان در غار هوتو (نزدیک به شهر) مربوط بیکصد و پنجاه هزار سال پیش موفقیتهای خوبی بدست آورده است در صدد برآمد

(1) Sir Aurel Stein
(2) University Museum

بخدمات فرهنگی و مذهبی اشتغال داشتند و اکنون ریاست بخش مطالعات مربوط به خاور نزدیک را در دانشگاه پرینستون (۱) عهده دار هستند بودند و پاریسیدن لوازم حفاری دامنه عملیات را توانستند وسعت دهند و به خاکبرداری در بالای تپه درون باروی قلعه باستانی که بقایای قلعه آجری قرن هشتم پیش از میلاد در آنجا موجود است پرداختند و حوالی غروب پنجشنبه ۲۳ مردادماه ۱۳۳۷ به کاسه مهمی از زرناب دست یافتند که دارای نقوش برجسته بسیار متنوع و بی نهایت جالب توجه بوده نه تنها در تاریخ باستانشناسی ایران کشف بی سابقه و از لحاظ تاریخ ایران دارای اهمیت فوق العاده است بلکه از لحاظ کاوشهای علمی دنیا هم یکی از مهمترین اکتشافات علمی و از نادرترین آثار تاریخی و مذهبی و هنری دنیای قدیم بشمار میرود.

مشخصات و نقوش ظرف طلا

کاسه مورد ذکر به بلندی ۲۱ سانتیمتر - محیط دهانه آن بالغ بر شصت سانتیمتر - و وزن آن ۹۵۰ گرم است و در مجله مصوراخبار لندن (۲) مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۸ ضمن مقاله ای در توصیف این کشف مهم درباره بهای آن چنین اظهار نظر شده است که ارزش عادی ظرف مزبور معادل بیست هزار لیره تعیین گشته است لکن اهمیت هنری و تاریخی آن پس فروتر و بالاتر از این ارقام میباشد و در صحنه جنگ و حمله آشوریان به مانها در دست مردی بوده که در حین جنگ بقتل رسیده است.

نقوش برجسته ای که بر بدنه کاسه دیده میشود عموماً در دو ردیف و در برخی قسمتها در سه ردیف واقع گشته است. در ردیف بالا سه گردونه جلب نظر مینماید که هر کدام آنها را یک سوار رهبری میکند بر نخستین گردونه گاو بسته اند و راننده آن بصورت فرشته بالدار است که تازیانه بدست دارد. از دهان گاو یک دسته خطوط منحنی خمیده بطرف پائین کشیده شده که ظاهراً نشانه فروریختن نهر آب از دهان گاو بسمت پائین است. روبروی این عرابه شخصی ایستاده است که زلفش بسمت بالا تابیده و جامه ای چون قطیفه حاشیه دار در بردارد و ظرف بلندی در دست گرفته است و پشت سر او دو نفر با همان گونه لباس دو قوچ زل را بجلو میرانند و چنان مینماید که باستقبال گردونه میروند - دو گردونه دیگر بدنبال یکدیگر در پشت گردونه اول واقع گشته است و هر دوی آنها بوسیله استر کشیده میشود راننده دومین گردونه دو بال بر سر دارد و راننده گردونه سوم دارای دو شاخ بر سر است. هر سه راننده گیسوان بلند و محاسن متوسط دارند.

موافقت مقامات مربوط دولت شاهنشاهی ایران را برای انجام کاوشهای علمی در تپه هگمتانه (تپه قدیمی معروف به سر قلعه در داخل شهر همدان که به نقل قول مورخین یونانی بنام اکباتان نیز خوانده میشود و محل کاوشهای باستانی شاهان ماد و شاهنشاهان هخامنشی بوده است) تحصیل نماید و پیشنهاد تشکیل هیئت علمی مشترکی را که مرکب از دانشمندان اعزامی موزه مزبور و کارمندان فنی باستانشناسی ایران باشد برای اجرای چنین کاوش علمی نمود لکن بعلت دشواریهایی که برای اجرای حفاری در شهر همدان در پیش بوده و هست این نظریه انجام نیافت و در مقابل از طرف باستانشناسی ایران به موزه مزبور پیشنهاد شد همین نظریه را برای تپه حسنلو که در خارج شهر و بیرون از دشواریهای محلهائی نظیر هگمتانه هست اعمال نمایند و این نظریه پس از بازدید تپه حسنلو از طرف آقای دکتر دایسن (۱) نماینده اعزامی موزه نامبرده مورد تأیید این دانشمند و آقای دکتر رنی (۲) مدیر موزه فوق قرار گرفت و ترتیب کاوش علمی مشترک در آن تپه تاریخی داده شد و در تابستان ۱۳۳۶ نخستین هیئت مشترک کاوشهای علمی ایران و آمریکا مرکب از آقای دکتر دایسن سابق الذکر و آقای تقی آصفی از کارکنان باذوق و هنرمند باستانشناسی در تپه حسنلو بکاوشهای علمی پرداختند و آقای جان احمدلو مالک تپه از لحاظ تهیه ساختمان محل سکونت هیئت و انجام هر گونه تسهیلات برای پیشرفت این منظور مفید کمال علاقه و اهتمام را بخرج دادند و چون کاوش مفصل در تپه بزرگ حسنلو به لوازمی بیش از آنچه در نخستین مرحله برای هیئت فراهم میگشت نیازمند بود آقای دکتر رنی مدیر موزه دانشگاه پنسیلوانی پس از بازدید تپه مزبور در سال ۱۳۳۶ باین نکته توجه نمود و در بازگشت بامریکا سفارش و مسائل میکانیکی چنین کاوشی را داد و بفرآخور بودجه و اعتباری که داشتند لوازم کار را سازماندهی و در پایان همان سال به صوب ایران گسیل داشتند و در تابستان ۱۳۳۷ دومین مرحله کاوشهای علمی مشترک مزبور آغاز گردید و ریاست هیئت کماکان بر عهده دکتر دایسن بود و اعضای هیئت آقایان علی اکبر اصفریان جدی لیسانسیه باستانشناسی و کارمند مطلع و علاقه مند باستانشناسی و تقی آصفی که قبلاً ذکرشان گذشت از اداره کل باستانشناسی ایران و خانم کارولین دوسکر (۳) منشی دکتر دایسن و آقایان چارلز ا. بورنی (۴) عضو مؤسسه باستانشناسی دانشگاه لندن و ت. کویلریونگ (۵) فرزند پروفیسور کویلریونگ دانشمند ایران شناس امریکائی که سالیان دراز در ایران

- (1) Dr. Dyson
- (2) Dr. Rainey
- (3) Caroline Dosker
- (4) Charles A. Burney
- (5) T. Cuyler Young

(1) Pricetone
(2) Illustrated London News



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال ملی ایران

نقوش يك طرف از جام طلای مکشوف در حسنلو

گسترده پارچه‌ای را در پشت سر برای مستور داشتن خویش نگاه داشته‌است. در جانب چپ این صحنه از دهائی سه سر و بوقب گردانده باسه دهان خود قصد بکام کشیدن مردی را دارد. نیمة پائین بدن مرد مزبور گونی در آب فرو رفته. دستهای خود را برای نجات بسوی دلاوری که دست پوشهای فلزی شبیه بوکس بردست

دوردیدف زیرین صحنه‌های جالب‌گوناگون دیگری دیده میشود - مردی کمان بلندی چون کمان سگایان بردست راست و تیری بدست چپ گرفته ؛ ترکش پراز تیر بر خود حمایل نموده است و بر بالای زلف وی ماری پیچیده سر بجلو راست نموده است. پشت سر او بانویی برهنه بر پشت دو قوج زل ایستاده دستان خود را بطرفین



نقوش طرف دیگر از جام طلای مکتشف در حسنلو

صندلی بدون پشتی دیده میشود که پایه‌های آن بشکل پای حیوانات سم دار است و در زیر صندلی مردی بر روی صندلی کوچکی مانند صندلی بالای سر خود نشسته دست راست را بجانب جلو دراز نموده است و بر دست چپ خویش اسبابی دارد. مرد دیگری شبیه همین مرد در مقابل وی ایستاده کودکی را بجانب او گرفته است. بر بالای

دارد دراز کرده است. (۱) در زیر این نقش تصویر شیر خفته‌ای که تصور میرود به نیروی مرد دلاور از پای درآمده است بنظر میرسد. پشت سر مرد دلاور در بالا

(۱) درباره این نقش و بعضی نقوش دیگر طرف مورد ذکر در مقاله‌ای که در مجله لایف مرقوم رفته است تعبیرات دیگر نموده‌اند که بعداً به توضیح آن میپردازیم.

قدمت کاسه طلای حسنلو

قسمتهائی از نقش این ظرف با بعضی از نقوش عالی و استادانه تخت جمشید شباهت فراوان دارد. مثلاً شخصی که رو بروی گردونه نخستین استادانه و زلفاتش رو ببالا تابیده است از حیث وضع زلف و طرح لباس با نمایندگان کشور پونتی که سرزمینی در شمال دریای سیاه و از توابع شاهنشاهی هخامنشی بوده است کاملاً شبیه است. دوتفرم که در دنبال او قوچهای زل را بجلو میرانند از نظر لباس همچون وی هستند. آقای « هیرالال چوپرا » دانشمند هندی و استاد تاریخ اسلامی در دانشگاه کلکته ضمن مذاکره و بررسی درباره ظرف مورد ذکر در مورد نقش سه نفر مزبور اظهار مینمود که در هندوستان هنوز هم رسم است وقتی کسی از منزل بیرون میرود دختری ظرف آب در مقابل او میگیرد و این را علامت میمنت و آمد کار میدانند و در ظرف طلای حسنلو هم شخصی که ظرفی شبیه لیوان آب بدست دارد و در مقابل نخستین گردونه استادانه است همین معنی را بخاطر میآورد. و همچنین لباس سه نفر سابق الذکر که با قلیفه شباهت دارد بالباسهائی که روستائیان هند دربر میکنند همانند است. ضمناً طرح قوچها و وضع ایستادن دوتفرم مزبور و فرورفتن دست ایشان بر پشمهای پشت قوچ هم بخوبی نقوش برجسته نمایندگان سیلیسی (در آسیای صغیر)

این صحنه مردی روبجانب صندلی ایستاده و ظرفی شبیه لیوان بدست دارد و پشت سر او نقش سه خنجر برهنه دیده میشود - در فاصله بین این نقوش و نقش مردی که گمان بلند دزدست دارد سه نقش مهم دیگر بنظر میرسد. در یک نقش صورت دومرد را نموده اند که دست وموی مرد سومی را از دو جانب گرفته اند و گوئی او را بمجازات میبرند. بر بالای این صحنه نقش شیرو شیربانی دیده میشود که بطرزی بدیع جلوه گری مینماید - مرد شیربان افساری بر سرشیر زده و بر پشت حیوان زینی نهاده است که بوسیله تسمه ها وسینه بند استوار میباشد و بخوبی معلوم است که سوارشیر میشده اند. شیربان بدست چپ خود افسار شیر و کبه دسته دار دف کوچکی را گرفته است و بدست راست خویش کفچه دفر را دارد که در عین حال آنرا برای راندن شیر هم بکار میبرد است. بر کفل شیر نقش صلیب شکسته نقش نموده اند. پس از این صحنه نقش پرندۀ بزرگی بنظر میرسد که یکنفر بر پشت او سوار است و بدینوسیله در آسمانها میرود. سر این مرد و دست راست او از کنار سر مرغ بیرون آمده است و بجانب زمین مینگرد و پاهای او از زیر بال چپ مرغ نمایان میباشد. در زیر ظرف نقش شطرنجی مرکب از مربعی که یکسوی آن ده خانه و جانب دیگر آن نه خانه است کشیده اند و بر هر سمت آن نقش یک بز کوهی بوضعی شیوا قرار دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نمایندگان مردم سیلیسی (کلکیه) بز دیوانه بلکان آبادانه قوچهای زل را هدیه میبرند





راکه بردیواره‌های پلکانهای شمالی و شرقی کاخ آپدانه تخت جمشید حجاری گردیده است بخاطر میآورد - همچنین نقش ارابه‌ها و صندلی شاهی که بر روی دیواره پلکان شرقی کاخ آپدانه تخت جمشید حجاری گردیده است بانقش ارابه‌ها و صندلی که بر طرف طلای حسنلو نموده اند از لحاظ طرح و ترکیب نزدیک و شبیه هم میباشند. تاریخ ظرف حسنلو قریب به سه قرن جلوتر از آثار تخت جمشید است و بدین جهت باید گفت در تقوش و هنرهای عهد هخامنشی از آثار هنری آذربایجان غربی هم بخوبی اقتباس و استفاده نموده اند - همچنین حاشیه بالای کاسه با حاشیه کاسه طلائی که در سال ۱۳۱۵ شمسی ضمن تعمیر استخر کاخ سلطنتی کلاردشت در زیر کف استخر مزبور بدست آمده است همانند بوده. نقش صلیب شکسته که بر کفل نقش شیرهای ظرف کلاردشت دیده میشود روی کفل نقش شیر خفته بردیواره کاسه حسنلونی عیناً وجود دارد. و بانوجه باینکه تاریخ ظرف کلاردشت را از قرن هشتم تا ۱۲ پیش از میلاد مسیح شناخته اند اظهار این نکته مورد خواهد داشت که احتمالاً ظرف حسنلو معاصر با کاسه کلاردشت باشد - در نقش نمایندگان اقوام خوز (ساکتین اصلی و قدیم خوزستان) بردیواره پلکانهای کاخ آپدانه تخت جمشید هم تصویر کسانی که ماده شیر و شیر بچگان را میبرند بانقش شیر و شیربانان ظرف حسنلو قابل قیاس بنظر میآید.

بیخه لایف چینیوید

کرسی شاهی

بردوش بکنفر مادی - بردیواره آپدانه

پروف. سجاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



ارابه شاهی

بردیواره کاخ آپدانه

قرن ۵ - ۶ قبل از میلاد



ظرف طلای کلاردشت - بانقوش شیر -
بانقش شیر صفحه ۴۳ مقایسه کنید



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رسال جامع علوم انسانی

نمایندگان اقوام خوز بردبارانه بلکان کناخ آبادانه شیران وشیربجگان را هدیه میبرند .



و شیر سواری است که مورد پرستش یکی از اقوام باستانی قرار داشت و معتقدات این قوم بکلی تاکنون غیر معلوم بوده است (۱) در قرن نهم پیش از میلاد قلمرو قوم مزبور مورد هجوم واقع گشت و از میان رفتند و هیچکس بدرستی نمیتوانست درباره تمدن این قوم از روی آثار هنری که از ایشان باقی مانده باشد اظهار اطلاعی نماید. مفتاح کشف يك تمدن نیز با هرگونه نظائر آن نسبت بتمدنهای دیگر تفاوت دارد. اینک از روی صحنه‌هایی که بر کاسه طلا نقش کرده‌اند میتوان درباره مردمی که آنرا ساخته و بدان تبرک میجسته‌اند اطلاعاتی بدست آورد و از زندگی و معتقداتشان مطالبی استنباط نمود.

پس از ذکر این مقدمه نظریات مربوط به نقوش مختلف ظرف در ذیل عکس هر کدام در تلو صفحات مجله لایف توضیح داده شده است که با نقل آنها هم آنچه مناسب بداند درباره هر یک بموقع خود ذکر مینماید مثلاً درباره نقش شیرو شیربان تحت عنوان «سواری بر ماده شیر» چنین مرقوم رفته است که «اله‌های بر پشت ماده شیر سوار است و آئینه بدست دارد که احتمالاً نشانه انعکاس روح در عالم آخرت میباشد.» با مختصر توجه به نقش مورد ذکر مشاهده میگردد که شخص مورد ذکر سوار شیر نیست بلکه بشری که گذشت افسار شیر و دسته دق کوچکی را گرفته و بردست راست کفچه دق را نگاهداشته است و موضوع آئینه و سوار شدن بر شیر اساساً صحت ندارد. در ذیل عکس تمام کاسه راجع به نقوش بالای ظرف و قسمتی از نقشهای زیرین آن چنین توضیح داده است که «بر بالای کاسه نقش خدای زمین که دارای شاخ میباشد و نقش خدای آفتاب که تاجی بالدار بر سر نهاده است دیده میشود. هر دو خدا سوار بر گردونه‌هایی هستند که برآستر بسته شده است. در برابر آنها نقش قوچهائی است که بخدایان هدیه میشوند. در پائین ظرف مردکمانداری دیده میشود که نوار دور گیسویش را ماری تشکیل میدهد که رو بروی عقابی ایستاده است که احتمالاً الهه را بر پشت گرفته و با آسمان میبرد.»

در زیر شکل بانوی برهنه که شرح آن فوقاً بتفصیل گذشت چنین توضیح داده شده است که «احتمالاً نقش مزبور مظهر الهه برکت است که بر پشت قوچه ایستاده معجر (چادر) خویش را بدو طرف باز نموده است و پستانها و استخوانهای مچ پای او را دائره‌هایی ظاهر ساخته‌اند و نقش روی پارچه را با خطوط نقطه چین نموده‌اند.» در مورد نقش نخستین گردونه که بر گاوی بسته شده و بعنوان

(۱) آقای اردشیر جهانپن دانشمند زردشتی نقوش کاسه زر حسنلو را منطبق با آئین مهرپرستی ایرانیان قدیم میدانند که در دستور آینده نقل خواهد شد.

اگر درصدد مقایسه کاسه حسنلو با مجموعه اشیاء زر مکشوف در «زیویه» کردستان برآئیم از نظر موضوع نقشا ارتباطی دیده نمیشود. درخت زندگانی و حیوانات و انسانهای بالدار افسانه‌ای و نقوش برجسته مکرر و فراوان گوزن‌ها و بزهای کوهی خفته که در مجموعه زیویه بنظر میرسد در کاسه حسنلو موجود نیست، لکن نحوه کار و چگونگی هنر نمائی استادان زرگر که کاسه حسنلو و مجموعه زیویه را ساخته‌اند تا حد قابل ذکری شبیه و درخور مقایسه است و این موضوع معلوم مینماید که هنر زرگری ساکنان آذربایجان غربی با هنری که در مجموعه زر زیویه دیده میشود از لحاظ نکات فنی و طرز اجرای کار بی ارتباط نیست و چون علاوه بر مجاورت هر دو ناحیه از نظر قدمت تاریخی هم آثار مزبور مقارن و نزدیک با یکدیگر تشخیص داده شده است تأثیر کار هنرمندان قدیم آذربایجان غربی بر نواحی جنوبی آن که کردستان کنونی باشد امری طبیعی و منطقی بنظر میرسد. چنین بنظر میرسد که ناحیه حسنلو در حدود هزار سال پیش از میلاد مسیح جزء سرزمین حکومت «اورارتو» و در مرکز کشور «مانا» بوده و در قرن هشتم پیش از میلاد در نتیجه پیشرفت و غلبه کشور مانا ضمیمه کشور اخیر گردیده است.

مجله لایف چه میگوید؟

در مجله لایف (۱) شماره ۱۲ ژانویه ۱۹۵۹ عکسهای رنگی بزرگ و نمایان از ظرف طلای حسنلو و جزئیات نقوش آن با توضیحات مفیدی درج گردیده. ضمن قسمتهای مختلف مقاله چگونگی پیدایش ظرف و وضع تپه حسنلو و نظریات مربوط به معتقدات قوم مان و تفسیرهای راجع به نقوش ظرف مورد ذکر شرح داده شده است که آنچه مناسب بنظر میرسد بنقل و ترجمه آن پیش شرح ذیل مبادرت مینماید:

در قسمت اول مقاله مزبور تحت عنوان **اسرار کاسه زر - فرهنگی نامعلوم پدیدار گشت چنین میگردد:**

«قرنها از پس یکدیگر گذشت و در طول ۲۸۰۰ سال بادهائی که بر سراسر جلگه‌های خشک شمال غربی ایران میوزید بر قطر خاکی که کاسه زر را در دل خود جای داده بود میافزود و نقش و نگار زیبای بدنه ظرف را پیش از پیش پنهان میساخت و همراه آن اسرار تمدن بانس مرتبتی را نهفته میداشت تا اینکه چندماه پیش هیئت دانشمندان ایرانی و امریکائی که در تپه کاوش میکردند به کاسه مزبور برخوردند و آنرا یکی از مهمترین اشیاء مکشوف در اینگونه کاوشها یافته در ردیف بزرگترین کشفیات عالم باستانشناسی شناختند - اهمیت کاسه مزبور بواسطه نقوش خدایان و الهه‌های عرابه سوار

(1) Life Magazine



از نقوش ظرف طلای حسنلو
نقش شخصی که روبروی نخستین گردونه استاده

« مسافرت خدای آب هوا » معرفی گردیده است چنین توضیح می‌دهد که: « شعاعهائی از شانه هایش ساطع گشته است و شلاقش را بصداء در می‌آورد و گردونه دو چرخه را بجلو میراند. بر گاونر بزرگی که گردونه را میکشد افسار زده است و نهر آبی از دهان گاو بر از دهائی فرو میریزد » درباره نقوشی که یکنفر بر صندلی نشسته دیگری کودکی را بسوی او گرفته است چنین اظهار نظر شده است که « مادری سر و پاهای کودک خود را گرفته آنرا بصورت هدیه بجانب خدائی که برهنه بر صندلی نشسته است پیش

میبرد. خمیدگی ظرف قسمتی از بدن طفل را از نظر پنهان میدارد. لباس مادر از نیم تنه گشاد و کوتاهی تشکیل میشود و بر زلفش گیس باف زده است. لباسی که بر تن مظهر خدا دیده میشود بشکل دامن بلندی است و در دست وی چیزی همانند عصایاگر ز سلطنتی دیده میشود و تبسم او میرساند که هدیه را میبیند. « به صحنه مرد دلاوری که دست پوشهای فلزی بردست دارد و دستهای او بسوی مردی دراز شده است که در معرض خطر ازدهای سه سر قرار گرفته عنوان « نبرد پهلوانی با اهریمن » داده شده و چنین توصیف گردیده است که: « يك مرد مظهر خدای جنگ بر روی سر شیری ایستاده عضلات او برجستگی یافته منگوله های دم حیوانی که بردامن او آویخته است برانهای وی اصابت میکنند و آنها را بصداء در می‌آورد. با بکسهای برنجی دستکش مانند خود مشغول نبرد دوبدو با شیطان است. « يك قسمت بدن شیطان بصورت آدمی است که بر بالای کوه قرار گرفته باشد و قسمت دیگر بدن او ازدهای سه سری است که نهر آب از دهان گاو سابق الذکر بر آن فرو میریزد. « آخرین توضیحانی از این قبیل در ذیل نقش شخصی که مقابل گردونه اولی ایستاده ذکر شده است و تحت عنوان هدیه دادن شخص روحانی بخدایان درباره آن چنین مرقوم رفته است:

« یکنفر روحانی با پای برهنه ردای حاشیه دار در بر و در رأس مراسم هدیه دادن مذهبی قرار گرفته است و ظرف بلندی را برای هدیه بلند نموده آنرا بجانب گاو نیرومندی که حامل گردونه خدای آب و هوا است میبرد. در ضمن عملیات حفاری ظرفی نظیر این ظرف بدست آمد که در میان پارچه پیچیده شده بود. کاکل شخص روحانی بسوی بالا تابیده پشت سر و عقب چانه اش تراشیده است. پشت سر او یکی از قوچانی که برای هدیه می‌آورند و ذکر آن گذشت انتظار سرنوشت خود را میبرد. »

ظرف اخیر الذکر که در سطور فوق اشاره به کشف آن در ضمن عملیات حفاری شده گلدان نقره است که ارتفاع آن ۱۷/۵ سانتیمتر و قطر دهانه بالای آن ۱۰ سانتیمتر میباشد و دیواره خارجی آن مزین بدو ردیف نقوش برجسته طلاکاری است که ضمن آنها صحنه های پیکار جنگجویان پیاده و عرابه سوار کسانی که حیوانات شبیه گاو و اسب و شیر را بجلو میرانند یا با آنها به نبرد پرداخته‌اند ملاحظه میشود. این ظرف هم اهمیت فراوان دارد و درخور بررسی بیشتر میباشد.

عنوان قسمت دوم مقاله مزبور بدینگونه است: « چگونه میراث حسنلو نجات داده شد » و در ذیل این عنوان چنین نوشته است: « مهمترین وسیله درک این راز نهفته که چه مردمانی ظرف طلا را ساخته‌اند توجه بمحل پیدایش آن میباشد. محل کشف ظرف مزبور



دلی قور



گلدان نقره حسنلو
 بانقوش برجسته زرین
 ارتفاع ۱۷/۵ سانتیمتر
 قطر دهانه ۱۰ سانتیمتر
 در پالا طرح نقوش از لیلا نقی بود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

تپه‌ای با ارتفاع تقریبی ۷۰ پا (بیش از ۲۴ متر) واقع در اراضی متعلق به رئیس ایل و نزدیک دهکده حسنلو است. این محل در دو سال پیش بوسیله آقای م. ت. مصطفوی از موزه باستانشناسی ایران مشخص گردیده بود. و بنا بر پیشنهاد ایشان دانشمندان موزه دانشگاه پنسیلوانی که در ایران مشغول بررسیهای علمی بودند با دانشمندان ایران هیئت علمی مشترکی تشکیل دادند و شروع بکاوش در تپه مزبور نمودند.

«در طی این کاوش دروازه اصلی یک قلعه استحکاماتی و چهار برج دفاعی عظیم و شالوده های سترک دیوار سنگی و آجری که ارتفاع آنها در حدود بیست پا (مختصری



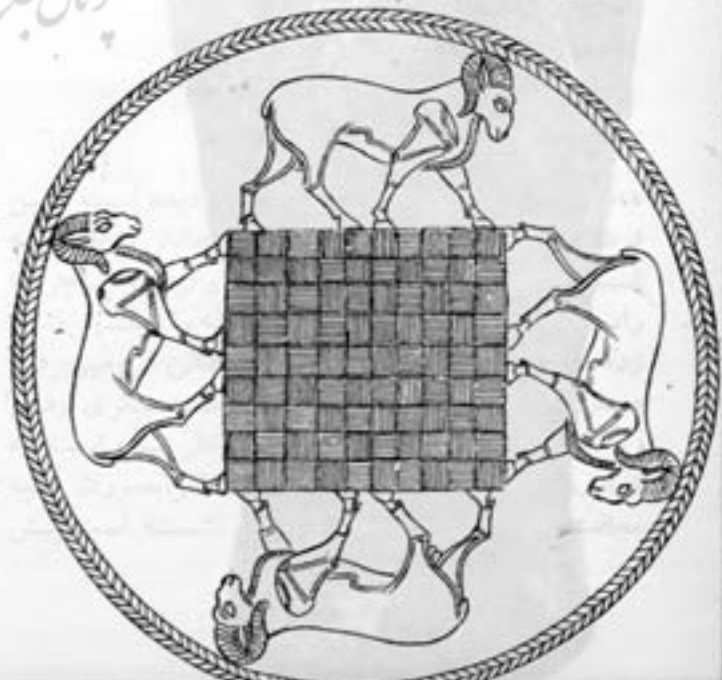
پیش از شش متر) احتمال داده اند کشف گردید. - در عقب این بارو ویرانه های ساختمان دوطبقه ای وجود داشت که تصور می رود کاخی بوده است. - بنای مزبور گرداگرد محوطه ستون داری احداث شده بود و درون آن اشیاء مختلف از قبیل وسایل مفرغی جهت جمع آوری آب باران و ظروف سفالی و سلاح آهنی و مفرغی و حتی فلاهای سفالی دیواری وجود داشت. - چگونگی سرگذشت افسانه مانندى هم که منجر به باقی ماندن کاسه طلا شده است در همین محل معلوم گردید.

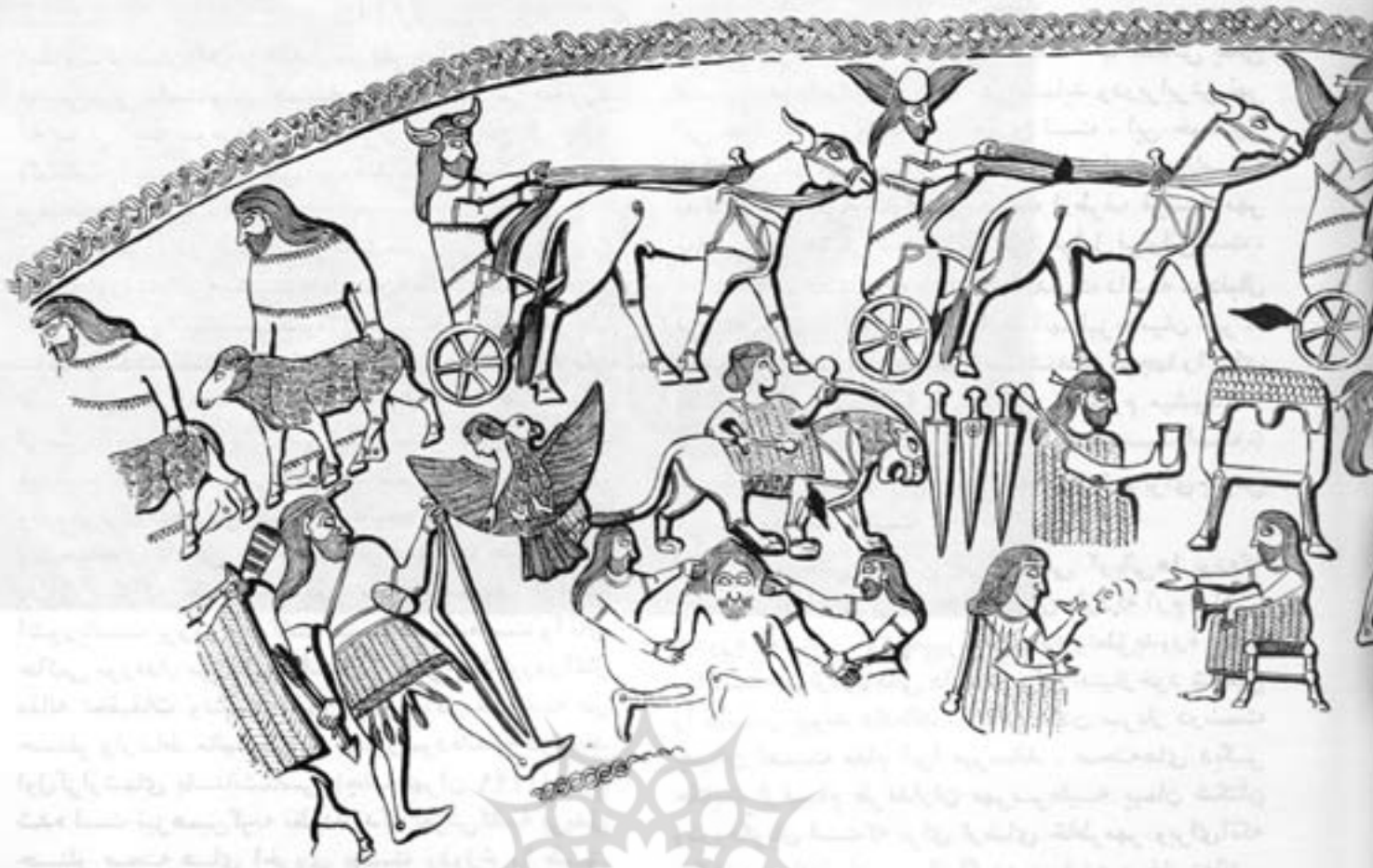
« در حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد قلعه را محاصره کردند و آنرا آتش زدند. سه نفر از مدافعین قلعه باشمشیرها و گرزهای آخته در طبقه فوقانی قلعه به رسو روی آورده در حال نو میدی تلاش میکردند تا کاسه طلائی را که ظاهراً میراث موطنشان بود از دست اندازی دشمن مصون دارند. - بنای کاخ فروریخت و این سه سرباز مدافع در زیر آوارهای مشتعل مدفون ماندند و با مرگ خود مأموریت خویش را بنحواکمل انجام دادند زیرا هم خودشان و هم کاسه طلا از نظر پنهان شدند. تا متدرجاً قلعه فروریخته و متروک در زیر خاک و شنهای باد آور محو گردید و هنگامیکه در تابستان گذشته این صحنه از زیر خاک نمایان گشت جنگجویان مزبور که بصورت اسکلت درآمده بودند در کنار سلاح خویش خفته و یکی از آنان هنوز ظرف نفیس مورد علاقه خود را در بازوی استخوانی خویش گرفته بود.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در قسمت سوم مقاله تحت عنوان « صاحبان کاسه و معتقداتشان » چنین مرقوم رفته است: « يك بار ثابت کردند که محل کشف کاسه طلا در مستحکمى از قرن نهم پیش از میلاد بوده است. دانشمندان اسناد مربوط بان دوران را بررسی نمودند تا از چنین دزی اطلاعی تحصیل کنند. سپس در مقام مقایسه کاسه مزبور با صنایع سایر ملت های باستانی خاورمیانه برآمدند تا نشانه های دیگری از فرهنگ و هنر مردم آن محل بدست آورند. - چنین نتیجه حاصل شد که قلعه مورد بحث غربی ترین دزی ملت مان است. این ملت را در کتاب انجیل بنام (مینى) خوانده اند. دولت مانها حکومتی آشفته بود که مانند سپهرى بین (اورارتو) و (آشور) قرارداد داشت. ملت اورارتو مردم کوهستانی سرسختی بودند که در ارتفاعات سردسیر شمالی سلسله کوه های زاگرس میزیستند و آشوریان برعکس شهرنشینان نواحی ثروتمند جنوب یعنی سواحل

نقش کعب طرف طلای حسلو طرح از لیلی تهرپور





مجموعه نقوش ظرف طلای حسلو
طرح ازلیلی تفرهور

بنابر این تنها کاسه طلای حسلو است که آثاری از معتقدات ایشان را مینمایاند. کاسه مزبور میرساند که مردم مان از لحاظ نحوه تصورات مذهبی بخدایان و اساطیر پیشینیان خود و همسایگان خویش تاسی جسته‌اند. مثلاً صفحه بالدار بر تارک خدای خورشید با مظاهر الوهیت مصریان و آشوریان شباهت دارد - همچنین نمودن خدایان بصورت حیوانات در معابد بابل مرسوم بوده است. - شکل شیر که بر روی ظرف حسلو دوبار نموده شده همان مظهر عزت طلبی الهه مورد اعتقاد مردم هورو جانشینان هیتها است. صحنه واگذاری کودک به مظهر خدا اشاره یکی از اساطیر مردم هور (۱) است که اعتقاد داشتند طفل بصورت جاندار شگفت‌آوری کوهستانی در خواهد

(۱) «هور» نام کشور دیگری در مغرب‌کشور مانها است که مانند اورارتو در مجاورت یکدیگر قرار داشته مورد حملات آشوریان هم بوده است.

دجله و فرات را تشکیل میدادند. این حریفان توانا همیشه برای سلطه بر سرزمین «مان» با یکدیگر رقابت داشتند زیرا موقعیت سوق الجیشی آن محل بواسطه وجود دریاچه رضائیه (اورمیه) و دسترسی به گذرگاههای کوهستان زاگرس اهمیت فراوان داشت. - در دوره مانها حکومت اورارتو با حکومت جانشین هیتها که در شمال غربی آن واقع بود نیز جنگیدند و در همان موقع لشکریان دولت آشور هم بر بابلیان تروتمند در جانب جنوب پیروز گشتند و برای سلطه بیشتر بر کشورهای دیگر شرق نزدیک رو بمغرب پیشرفت نمودند. - در نبشته‌های آشوری از طغیان مانها بر علیه فرمانروایان آشوری حکایت شده است. در قرن نهم پیش از میلاد گاهی آشوریان وزمانی دولت اورارتو دژ حسلو را محاصره کرده آنرا باتش کشیده‌اند. « در دژ مانها سند نبشته‌ای بدست نیامده است.

آمد. - داستان گلاویز شدن دو نفر با شیطان یکی از قدیمی‌ترین داستانهای حماسه بشری را بخاطر می‌آورد که بنا بر روایت سومریان در دوهزار سال پیش از میلاد (گیلگامش) یعنی مرد جنگی نیرومند باغول جنگلی به نبرد برمیخاسته است. »

تطبیق دادن نقش دونفر که شخص سومی را در میان گرفته اورا بجانبی میکشند باداستان گیلگامش بنظر صحیح نمیرسد. زیرا گیلگامش عموماً باشیر یابزکوهی در حال نبرد نموده شده است و اساساً اظهار این مطلب که قوم مان تحت تاثیر معتقدات ملل مختلف قرار گرفته هر قسمتی از نقش کاسه طلا را با اساطیر یکی از ملتها تطبیق دهند قضاوت عمیق و درستی نخواهد بود. بلکه صحیحتر و طبیعی‌تر و منطقی‌تر اینست که عقیده به بهشت و دوزخ و صحنه‌های پاداش مردم نیکوکار و عقوبت بدکاران در دنیای دیگر که عقیده قدیمی ملت‌های مختلف از جمله آشوریانست بر روی این کاسه نیز نموده شده است و آقای حاکمی موزه دار موزه ایرانبستان که بشرح مذکور در آغاز مقاله تحقیقات و تتبعات کامل درباره آثار مکشوفه در حسنلو و ارتباط مانها با اقوام مجاور نموده اند که در مجلد اول گزارشهای باستانشناسی (چاپ تهران ۱۳۲۹) درج شده است نیز همین گونه نظر دارند که نقوش کاسه بی بدل حسنلو صحنه های اخروی بهشت و دوزخ را طبق معتقدات اولیه بشر نشان میدهد.

نظریك دانشمند زردشتی

در مجله هوخ (گفتارنیک) که نشریه متعلق به زرتشتیان ایرانست ضمن شماره آبانماه ۱۳۳۷ مقاله محققانه‌ای بخامه آقای اردشیر جهانیان دانشمند زردشتی تحت عنوان «کاسه زرین تپه حسنلو» مرقوم رفته در تلو آن نقوش روی کاسه مزبور را منطبق با مطالبی میدانند که در اوستا درباره آئین مهرپرستی ذکر گردیده است. در اینجا مناسب میدانند عین قسمتی از نوشته ایشان را بشرح زیر نقل نماید:

«با مطالعه مهریشت که یکی از قطعات بسیار کهن اوستاست و دقت در نقش روی کاسه زرین چنین نتیجه گرفته میشود که آنچه در یشت نامبرده راجع به مهر و یاران مهر و نبرد آنان بر علیه پیمان شکنان و دروغگویان توصیف شده بانقشهای این کاسه منطبق است. بدین ترتیب که ارباب سواران عبارتند از:

۱ - ارباب اولی که همانند فرشته بالدار و تازیانه بدست است فرشته مهر و دوار ارباب سوار دیگر یاران مهر یعنی فرشته سروش و فرشته رشن میباشد که طبق مندرجات اوستا همیشه با فرشته مهر در حرکتند.

۲ - دوشیزه‌ای که باستقبال آنها آمده فرشته

چیستا (فرشته دین و دانش) است که آب مقدس یعنی فشرده (هوم) را نیز فرشته مهر مینماید و در برابرش نهر آبی بموازات سرودهان گاو جاری است. این خود نیز نشانه حرکت مهر است. زیرا آنطور که در اوستای نامبرده مذکور است یکی از آثار اعطای برکت از طرف فرشته مهر قیام بر علیه خشکی است و آب یکی از عوامل فراوانی است.

۳ - آندونفر که دو قوچ را بدست داشته در دنبال فرشته چیستا (دوشیزه) روانند آنها نیز حامیان مهر - (دامونیش اویمن) و (هاونان) میباشد که قوچها را برای فدیة و قربانی باستقبال آورده اند. (معلوم میشود که قربانی در پیش پای مسافر از عهد کهن بارث رسیده است.)

۴ - تختی که زیر ارباب اولیه قرار دارد برای جلوس فرشته مهر آماده است.

۵ - نقش شاهین آرم رسمی آریایی‌ها بوده که توام شدن دختری بر آن حکایت از آن دارد که آرم شاهین از دوره نخستین خود تغییر شکل داده و تعلق بدوره بعدتر و یا دسته‌ای از آریاهائی دارد که برای امتیاز خود شاهین را با انسان پیوند داده اند. و پاس دادن سر باز درست چپ آن اهمیت مقام آنرا میرساند. صحنه‌های دیگر حکایت از قیام طرفداران مهر بر علیه پیمان شکنان و دروغگویان است که برای ارضای خاطر مهر و برای آنکه برکت و سعادت نصیب آنها گردد بمبارزه برخاسته اند. بهمین منظور است که فرشته مهر و دیوارانش همیشه در ارتفاعات و بلندی در حرکت بوده و ناظر به رفتار و کردار مردمند. آنها تیکه دروغگو و پیمان شکنند گرفتار خشم فرشته مهر شده و بعقوبت سخت میرسند. خنجر و کمان و سایر ابزار جنگی و شیرو شیربان و بانو تیکه روی تخت نشسته و بجهای بردامن دارد حکایت از آنست که در نگاهداری پیمان و نبرد علیه بدمنشان و پیمان شکنان همه وارد بوده و در این راه تلاش دارند. این بود آنچه که از نقشها آموخته میشود و در یشت کهنسال مهر نیز منعکس است.»

چند نظر دیگر و نتیجه

آقای دکتر گیرشمن دانشمند باستانشناس فرانسوی پس از ملاحظه ظرف طلای حسنلو یادداشتی درباره کشور مانا نوشته اطلاعات مفیدی در آن ذکر نموده اند و با کمال محبت در اختیار اینجانب گذاردند که اینک با اظهار سپاسگزاری از دانشمند نامبرده ترجمه قسمتی از یادداشت مزبور را هم که مناسب در این مقاله میشناسد ذیلا نقل مینماید:

«مرکز حکومت مانا در جنوب دریای اوریه (رضاییه) واقع گشته که از آغاز قرن هشتم پیش از میلاد غالباً بادولتهای آشور و اورارتو در جنگ و جدال بود.



نقش کسی که قوج زلدا پیش میراند.



مردم ماد برضد آشوریان شرکت نمودند . بعداً اقوام سکا خیانت ورزیده جانب آشوریان را گرفتند . لیکن بازهم کشور مانا پیروزی یافت و مجدداً قسمتهائی از اراضی آشور و اورارتو ضمیمه آن گردید و احتمالاً تاکنار خطوط مرزی کنونی ایران و ترکیه و ایران و عراق بسط پیدا کرد .»

چون در یادداشت فوق از کشورهای آشور و اورارتو و اقوام سکا صحبت شده است مناسب میبیند توضیحانی هم درباره آنها مذکور دارد . کشور آشور معروفتر و مهمتر از آنست که محتاج بمعرفی در این مقاله باشد . اجمالاً قسمت شمال بینالنهرین که مجاور بانواحی شمال غربی و مغرب ایران کنونی است سرزمین اصلی آشور بوده که جنگها و کشمکشها به نواحی مزبور هم رسوخ مییافته است . کشور اورارتو تقریباً شامل خاک قدیم ارمنستان یعنی نواحی شمال و شمال غربی آذربایجان کنونی در ایران و قسمتهائی از گرجستان و ارمنستان شوروی و نواحی کشور ترکیه که مجاور قسمتهای مزبور است بوده . نام آرات و ایروان علی الظاهر مربوط بانام آن کشور باستانی

از روی سالنامه های دو کشور اخیر میتوانیم از تاریخ سرزمین مانا اطلاع پیدا کنیم . - کشور مزبور بطور کلی سرزمینی کشاورزی و محل پرورش حیوانات اهلی بود . لکن صنعتگران و استادان فلزکاران بیشتر شهرت داشتند . پادشاهان آشور هنگام پیروزی خویش برگشور مانا صنعتگران آنجا را با خود برده در آشور بکارشان و امیدداشتند .

«کشور مانا از لحاظ اجتماعی وضع چادرنشینی داشت . لکن مردم این سرزمین نسبت به سایر نقاط ایران بیشتر در کارهای مرزوبوم خویش مؤثر میافتادند . چه شورائی از سالخوردگان ایشان در پیرامون شاه بسر میبردند .

«این کشور مشتمل بر ناحیه سقز و قسمت بالای رود جاگانو و تمام کرانه های شرقی دریاچه اورمیه بود . - در اواخر قرن هشتم پیش از میلاد با استفاده از منازعات بین آشور و اورارتو قلمرو خود را بسط فراوان داد . - در حدود سال ۶۷۵ پیش از میلاد اقوام سکا در کشور مانا پدیدار شده با مردم آنجا همدست گردیدند و در طغیان

بنظر میرسد. - اسناد نوشته بخط میخی شبیه نوشته - های هخامنشی در سرزمین اورارتو بدست میآید و بطور نمونه باید گفت کتیبه های میخی در نزدیکی قریه «صقین دل» ارسباران که بوسیله دانشمند محترم آقای محمد جواد مشکور در شماره ۶ - ۵ سال دوم مورخه تیرماه ۱۳۳۰ مجله دانش معرفی گردیده است از مره همین آثار بشمار میرود. و در مقاله ای که آقای مشکور راجع بان کتیبه نگاشته اند اطلاعات بسیار مفید و مهم درباره کشور اورارتو و تاریخ آن ذکر نموده اند. طبق آنچه هم اخیراً در روزنامه ها مشاهده شد (روزنامه اطلاعات مورخ ۲۸ آبان ۱۳۳۷) بتازگی در حومه شهر ایروان ضمن حفاریاتی که هیئت باستانشناسان شوروی بعمل آورده اند تخته سنگ بزرگی با خطوط میخی بزبان اوراتوس که یکی از قدیمترین ملل شرق میباشد و مربوط بقرن هشتم پیش از میلاد است کشف نموده اند.

همچنین ضمن کاوشهای مفصلی که در کشور همسایه ایران ترکیه بعمل آمده و میآید و موزه دانشگاه پنسیلوانی نیز در آن شرکت و سهم مؤثر دارد آثار مهم جالب دیگری از قوم اورارتو هویدا شده است. باین ترتیب کشف کاسه طلای حسنلو و آثار دیگری آن محل باستانی مهم ایران و توجه به کتیبه های میخی «صقین دل» ارسباران و کتیبه جدیدالکشف نزدیک ایروان و نتایج مکشوف از کاوشهای معمول در ترکیه در روشن نمودن تاریخ بسیار حساس قسمت مهمی از مشرق زمین تأثیر فراوان دارد و ذکر توضیحی در اهمیت تاریخی حسنلو و کاوشهای آن که بابتکار اداره کل باستانشناسی ایران با همکاری و اشتراک موزه دانشگاه پنسیلوانی بمرحله عمل و اقدام اساسی درآمده است ضرورت بیشتری پیدا نمیکند.

اقوام مختلف «سکا» نیز همان مردم جنگجو و متمدنی بودند که در سراسر نواحی شمالی شاهنشاهی هخامنشی سکونت داشتند و آثار تمدنهای ایشان در آسیای میانه و قفقاز و اوکرائی و برخی نواحی شمال ایران از جمله حسنلو که نشانیهای از ارتباط قومی از سکاها را با مردم مانا و اورارتو و آشور در بردارد مکشوف گردیده است و تنها فرش ایران عهد هخامنشی هم که فعلاً سراغ میرود چند سال پیش توسط دانشمندان شوروی در یکی از مقابر زیرزمینی پادشاه سکاها در پایزیریک بدست آمد و اکنون در موزه لنین گراد موجود است و شرح آن در فصل سوم مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی (بهمن ماه ۱۳۳۴) نیز مذکور میباشد - بر روی نقوش تخت جمشید هم تصاویر متعدد اقوام مختلف سکاها نموده شده است.

بطوریکه گذشت در یادداشت آقای دکتر گیرشمن اشاره به شهرت صنعتگران و فلزکاران کشور مانا شده است که پادشاهان آشور هم هنگام غلبه بر آن سرزمین

هنرمندان مانا را به آشور برده از هنر و کارشان استفاده مینمودند. پس از آنکه حکومت شاهان ماد در ایران مستقر گردید و دولت آشور راه زوال پیمود کشور مانا هم بخشی از کشور ماد شد.

بنابراین هنرمندان مانائی در دوران شاهان ماد در خدمت ایشان بودند و بعد هم در دوران شاهنشاهی هخامنشی مانند مردم سایر قسمتهای سرزمین ماد به تبعیت شاهنشاهی مزبور درآمدند و طبعاً در ساختمان کاخها و آثار معظم هنری آن دوران شرکت داشتند. - در کتیبه مفصلی که داریوش کبیر درباره ساختمان کاخ خود در شوش نوشته است مکرراً اشاره به شرکت مادها نموده است و لازم بتوضیح نیست که هنرمندان مانائی هم در میان هنرمندان مادی بشمار میآمده اند.

باتوجه به توضیحات بالا معلوم میشود که کاسه زر ناب مکشوف در حسنلو یکی از اصیلترین آثار هنری ایران مربوط بقرن هشتم پیش از میلاد است که در حقیقت ریشه هنر زرگری عهد ماد و دوران هخامنشی را تا حد فراوانی نمودار میسازد و بطوریکه میدانیم آثار زر دوره هخامنشی و ویژه کاریهای هنرمندان آن عهد بر روی اشیاء و ظروف و تزیینات زر از مهمترین و نفیسترین مظاهر تمدن درخشان دوران مزبور بشمار میرود و این کاسه زر حسنلو دلیل بزرگی بر این امر میتواند بود که هنر زرگری عالی ایرانیان از حدود سه قرن پیش از عهد هخامنشی در سرزمین مانا یعنی قسمتهای جنوبی دریاچه رضائیه و نواحی شمالی آن سرزمین رونق فراوان و روزافزون داشته است.

در آخرین قسمت مقاله مجله لایف چگونه کشف کاسه زر حسنلو چنین حکایت شده است که هیئت مشترک پس از سه ماه خاکبرداری قسمت عمده کاخ درون قلعه را هویدا نمود و یکروز هنگام غروب یکی از کارگران حفاری به استخوانهای دست مردی با اسلحه آن برخورد کرد - آقای دایسن در گزارش خود راجع باین قسمت مینویسد: «استخوانهای انگشتان بر اثر زنگ ردیف تکه های مفرغی زیر اسکلت رنگ سبز پیدا کرده بود. صفحاتی که باندازه سکه بود نوعی اسلحه دفاعی محسوب میگشت که بر ما مجهول بود و از دگمه هایی که بر روی چرم بیکدیگر دوخته شده بود تشکیل مییافت.»

بنظر نگارنده اسلحه دفاعی مورد ذکر آقای دایسن سپر چرمی بوده است که روی آن میخهای مفرغی نصب کرده بودند. آقای دایسن با دو نفر همکاران خویش شروع به پاک کردن گل ولای اطراف استخوانها میکنند و ناگهان خطی از طلا ظاهر میگردد ابتدا احتمال میدهند که دستبند طلا باشد پس از آنکه بیشتر محل را پاک میکنند بگفته آقای دایسن «چشماتشان بیش از پیش باز میماند و تیغه باریک

برای احیاء هنرهای ملی

چه باید کرد

بمناسبت تهیه مقدمات
افتتاح موزه هنرهای تزیینی

یحیی ذکاء

آثار موجود بخوبی نشان می‌دهد که مردم ایران در تمام ادوار تاریخ خود همواره زندگانیشان با ذوق و سلیقه و زیبا پرستی همراه بوده است و کلیه وسائل مادی زندگی ایشان از بزرگ و کوچک و جزئی و کلی با تزیینات و زیبایی دلفریبی توأم بوده. عشق به زیبایی در تمام دوره‌ها موضوع اصلی صنایع مردم این سرزمین بوده است چنانکه دستهای هنرمند آنها همواره جمال طبیعت و زیباییهای طبیعی را بصورت طرح‌ها و نقشها بر کاشیها و فرشها و صفحات کتابها منعکس ساخته است. با نظری بصنایع و تاریخ صنعت در ایران مشاهده می‌گردد که اغلب صنایع این مردم جنبه عملی و انتفاعی داشته است و جزو هنرهای صناعی محسوب میشود و در نظر هنرمندان ایرانی میان هنرهای زیبای محض و هنرهای صناعی کمترین تفاوتی وجود نداشته و از این نظر و با وضعی که آثار هنرهای صناعی در ایران داشته است یعنی هم مفید فایده‌ای بوده و هم جنبه هنری و زیبایی در آنها رعایت گردیده است نمیتوان آنها را کم اهمیت شمرد و با خارج از محیطه هنردانست زیرا این قبیل اشیاء و آثار در ضمن آنکه احتیاجات مادی روزمره را مرتفع می‌ساخته‌اند چشم و ذوق صاحبانشان را نیز برای درک و فهم زیبایی پرورش میداده‌اند. خوشبختانه هنوز آن مهارت و ذوق صنعتی که برای ایجاد آثار هنری عالی لازم است در میان مردم این کشور از میان نرفته است و در صورتیکه وسائلی برانگیخته شود که در تربیت استادان ماهر مؤثر افتد و ضمناً خواستاران باعلاقه‌ای برای خرید چنان آثاری پدید آرند باز بدون شك نهال ذوق ایرانی شروع به برآوردن غنچه و گل کرده و با دست هنرمندان آثاری بی‌ار خواهد آورد که بتواند در برابر مصنوعات ماشینی کارخانه‌های مغرب زمین مقاومت کرده شخصیت هنری خود را باز یابد.

امروزه در کشور ما با آنکه کارگاههای هنری سابق از شکوه و فعالیت پیشین خود افتاده‌اند و دیگر کالاهای آنها رونق بازار سابق را ندارد معهلاً هنوز در گوشه و کنار شهرهای ایران استادانی یافت میشوند که با کمال صبر و مهارت و هنروری بفعالیت هنری خود ادامه میدهند ولی متأسفانه چون حمایت و تشویقی نمی‌بینند و وسائل

طلا بزرگتر و پهن‌تر میشود و بصورت قطعه‌ای طلا درمی‌آید و پس از آن شبیه صفحه طلا میشود و بالاخره کاسه طلا نمایان میگردد. « آنگاه کاسه را با هستگی از میان استخوانهای دست اسکلت بیرون آورده آنرا در زیر پیراهن خود پنهان می‌سازد و بطرف همکار دیگرش که مشغول پرداخت دستمزد روزانه کارگران بوده است میرود و در آنجا کاسه را بلند میکند و میگوید « کشفی که برای يك عمر کفایت کند اینجا است » هنگامیکه برق طلا در منظر غروب آفتاب ظاهر میشود کارگران بحقیقت این کشف مهم واقف میگردند و هیئت علمی این شئی نفیس را بنام کودک خویش میخوانند و پیش از آنکه کودک خویش را در محل محفوظی قرار دهد آنرا شسته درون آن مختصر می‌گساری میکنند و اعضای هیئت بخود بالیده می‌گویند: « از لبهای مردم مان به لبهای ما نوش باد. »

وقتی خبر این کشف مهم با اداره کل باستانشناسی میرسد بتوصیه آن اداره کاسه طلا و گلدان نقره را موقتاً در بانک ملی رضائیه بمانند می‌گذارند و پس از چندی آقای تقی آصفی عضو ایرانی هیئت مزبور آنها را به تهران آورده تسلیم اداره کل باستانشناسی میکند و آقای حسن خراسانی استاد تعمیر کار اشیاء فلزی موزه ایران باستان با استفاده از وسائل الکتریکی تا حد مناسب زنگهای چند هزار ساله را از روی گلدان نقره می‌زداید و آقای رستمی عکاس باستانشناسی از کاسه و گلدان عکسهای استادانه میگیرد و مقارن همان اوقات عکاس مخصوص مجله لایف بدستور آقای دکتر رنی بتهران می‌آید و به حسنلو میرود و عکسهای از محل حفاری بر میدارد و در تهران هم عکسهای ظرف طلا و گلدان نقره را برای درج در مجله لایف تهیه مینماید و این کشف مهم بمعرض اطلاع جهانیان گذارده میشود.

بشرح بالا کشف کاسه حسنلو روزنه بس درخشانی از تاریخ قسمت مهمی از ایران عزیز و ارتباط فرهنگی و هنری و مبارزات مردم مان را با کشورهای همجوار خود نشان میدهد که اهمیت آن بطور روز افزون بیشتر معلوم خواهد گشت و توجه دانشمندان باستانشناس را نیز بجدا علی جلب نموده است و امید میرود با ادامه کاوش علمی ترمیخش این محل که با کمال اخلاص دور از هرگونه شائبه‌های زبان بخش بمرحله عمل درآمده است آثار دیگری همانند این سند مهم تاریخی و ملی ایران بدست آید و خدمتی در خور تاریخ و فرهنگ اصیل و باستانی سرزمین پرافتخار ایران انجام پذیرد.

سید محمد تقی مصطفوی

عکسهای این مقاله از رستمی - عکاس رسمی موزه ایران باستان.